



دغدغه‌های زیست محیطی در قالب هنر محیطی و شهری

شیوا مطلبی^۱؛ بهرام احمدی^۲

پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۲۴

دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۱۷

چکیده

مشکلات زیست محیطی یکی از دغدغه‌های جهان معاصر است، در سال‌های اخیر در ایران برخی از هنرمندان با استفاده از رسانه‌های هنری نوین و با هدف به چالش کشیدن مخاطب، به بیان و شناخت این مشکلات پرداخته‌اند. هنر شهری علاوه بر ارائه جنبه‌های زیبایی شناسانه، به واسطه نزدیکی ماهیت خود به هنر تعاملی و با در نظر گرفتن مخاطبان شهروند به عنوان مخاطب اصلی چنین اثر هنری، می‌تواند نقش مؤثرتری در ارتقاء سطح آگاهی مردم نسبت به مسأله حفظ محیط زیست داشته باشد. در این پژوهش با مطالعه و بررسی توصیفی تحلیلی با رویکرد زیست محیطی، دلایل توجه هنرمندان به رسانه‌های نوین در فضاهای شهری ایران بررسی شده است تا میزان حضور این رسانه‌ها در بستر شهری و چگونگی موفقیت آن‌ها در انتقال مفاهیم زیست محیطی ارزیابی گردد. به نظر می‌رسد وجوه مشترک فراوان میان رسانه‌های هنری جدید با هنر شهری موجب شده است که هنرمندان با استفاده از این رسانه‌ها در شهر، بتوانند بیش از پیش با مخاطبان خود ارتباط برقرار کنند. همچنین مطالعه و شناخت آثار هنری زیست محیطی در فضاهای شهری ایران نشان‌گر آن است که در میان رسانه‌های جدید، هنر محیطی به دلیل برقراری ارتباط سریع و آسان با محیط و مخاطب، با اهداف هنرمند و بیان دغدغه‌های زیست محیطی در شهر، هم‌سوتر بوده و نسبت به رسانه‌های دیگر مورد اقبال هنرمندان قرار گرفته است.

کلید واژگان: هنر شهری، رسانه‌های هنری جدید، هنر زیست محیطی، مخاطب اثر هنری.

۱- کارشناسی ارشد رشته نقاشی، shiva_6070@yahoo.com

۲- دکترای تاریخ هنر، عضو هیئت علمی دانشکده هنر و معماری دانشگاه یزد. bah_ahmadi@yahoo.com

در سال‌های اخیر با افزایش معضلات زیست‌محیطی تعداد بیشتری از هنرمندان سعی کرده‌اند با پرداختن به این مشکلات در آثار خود، به مردم و مسئولین آگاهی داده و در نهایت پیامدهای مخرب آن‌ها را متوقف کنند. به دلیل این که ایران در دهه‌های اخیر، دارای مشکلات زیست‌محیطی فراوانی بوده است، این رویکرد در آثار برخی هنرمندان معاصر ایران نیز به چشم می‌خورد. این هنرمندان گرایش‌های متنوعی در پرداختن به این مسأله اتخاذ کرده و تاکنون آثار بسیار متفاوتی با بهره‌گیری از انواع رسانه‌های هنری سنتی و جدید آفریده‌اند. در میان این آثار، برخی به جای نمایش در گالری‌ها، در فضاهای عمومی شهری ارائه شده‌اند. بنابراین نمونه‌هایی وجود دارد که حاکی از ارائه هنر زیست‌محیطی در قالب هنر شهری است. از آنجا که به گفته محققان حضور هنر در شهر همواره موجب ارتفاع هر دو پدیده بوده، به نظر می‌رسد نمایش آثار زیست‌محیطی در شهر تنها جنبه نمایشگاهی ندارد و می‌تواند از فضاهای شهری سود ببرد. از سوی دیگر توجه به این نمونه‌ها مشخص می‌کند که هنرمندان زیست‌محیطی برای ارائه آثار خود در شهر، انواع رسانه‌های هنری جدید را به عنوان شیوه بیانی برگزیده‌اند. بنابراین، در این پژوهش، دلایل توجه این هنرمندان به استفاده از رسانه‌های نوین در شهر مورد مطالعه قرار می‌گیرد تا ضرورت پرداختن به مشکلات زیست‌محیطی در قالب هنر شهری مشخص شود.

بر این اساس، مقاله حاضر در دو بخش کلی شکل گرفته است. در بخش اول که به طرح مباحث نظری در حوزه هنر شهری اختصاص دارد، ابتدا هنر شهری تعریف و نسبت آن با هنر عمومی مشخص می‌گردد و سپس ضمن معرفی گونه‌های مختلف این هنر، سیر تحول و تکامل آن به اختصار بیان می‌شود تا از این طریق اهمیت همراه شدن هنرهای شهری معاصر با موضوعات اجتماعی و ارائه نقدهای اجتماعی، روشن گردد. در نهایت نیز به مهمترین ویژگی این هنر، یعنی مخاطب‌محور بودن آن پرداخته می‌شود.

بخش دوم مقاله مربوط به مطالعه پیرامون هنر زیست‌محیطی است. در این بخش، تعریفی از هنر زیست‌محیطی ارائه شده و چگونگی شکل‌گیری آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. البته از آنجا که هنر زیست‌محیطی در آغاز، در بستر هنر محیطی شکل گرفته است



و برخی نیز آن را یکی از گرایش‌های جدیدتر هنر محیطی دانسته‌اند، معرفی این هنر همراه با بیان تعریف و ویژگی‌های هنر محیطی انجام می‌شود، تا از این طریق مرز میان این دو تعیین گردد. در ادامه روند شکل‌گیری هنر زیست‌محیطی در ایران بررسی شده و توجه به استفاده از انواع رسانه‌های هنری جدید در این حوزه مشخص می‌گردد. نهایتاً از آنجا که در دهه اخیر برخی هنرمندان زیست‌محیطی در ایران آثار خود را در فضاهای شهری اجرا کرده‌اند، با ارائه نمونه‌هایی از این آثار، تلاش شده است ابتدا علت توجه هنرمندان به استفاده از رسانه‌های هنری جدید برای بیان مفاهیم زیست‌محیطی مشخص شود. سپس با توجه به آنچه در بخش اول در رابطه با هنر شهری مطرح شد، علل توجه برخی از این هنرمندان به ارائه آثارشان در قالب هنر شهری تبیین گردد.

روش تحقیق

شیوه پژوهش در مقاله حاضر مبتنی بر روش توصیفی - تحلیلی است؛ بدین معنا که ابتدا مفاهیم هنر شهری و هنر زیست‌محیطی به صورت مجزا مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته و سپس با تطبیق و تحلیل اطلاعات دریافت شده و همچنین ارائه نمونه‌هایی در این زمینه، سعی شده است سؤالات پژوهشی پاسخ داده شوند. روش گردآوری اطلاعات نیز از نوع کتابخانه‌ای، اسنادی، مصاحبه و همچنین سایت‌های اینترنتی معتبر است.

پیشینه تحقیق

متأسفانه با وجود فواید ناشی از حضور هنرهای عمومی در فضاهای شهری، در ایران به ندرت شاهد ارائه آثار شهری هستیم. همین موضوع موجب شده است تحقیقات پیرامون این موضوع دارای سابقه‌ای اندک باشد. با وجود این در دهه اخیر برخی پژوهشگران به موضوع هنر شهری توجه کرده و مقالاتی به آن اختصاص داده‌اند. تعداد زیادی از این پژوهش‌ها با تأکید بر معرفی هنرهای شهری و ویژگی‌های آن، فواید هنرهای شهری را از جهت تأثیرگذاری بر فضا ارزیابی کرده‌اند. همچنین این محققان اهمیت هنر در معنابخشی به فضاهای شهری را در ابعاد مختلف بررسی کرده‌اند. البته مطالعاتی نیز وجود دارد که نمونه‌هایی از هنر شهری را معرفی و مطالعه کرده‌اند. اما تمرکز همه آنها بر گونه‌های خاصی چون نقاشی دیواری، مجسمه‌سازی و یا اجراهای خیابانی بوده است و نمونه‌های خارجی

بیشتر دیده می‌شود. برخی از مهمترین مقالات در این رابطه عبارتند از: «هنر شهری پدیده‌ای منظرین در جامعه امروز» عادلوند و همکاران (۱۳۹۵)، «نقش هنرهای شهری در بهبود کیفیت محیط زیست شهری»، مظفر و همکاران (۱۳۹۶)، «مدل مفهومی ارتباط معنایی هنر و فضای شهری»، اریس و کریمی مشاور، (۱۳۹۷)، «تبیین و ارزیابی مؤلفه‌های هنر عمومی»، رستمی و همکاران (۱۳۹۶) و «بررسی مفهوم هنر عمومی و کنش متقابل آن با مردم در فضاهای عمومی و شهری» (۱۳۹۲)، وحدت‌طلب و همکاران (۱۳۹۲).

در ایران، در حوزه هنر زیست‌محیطی نیز، تاکنون پژوهش‌های اندکی صورت گرفته است. در واقع ارتباط نزدیکی که میان هنر محیطی و هنر زیست‌محیطی وجود دارد، موجب شده است بیشتر محققان مرز میان این دو را نادیده گرفته و در چارچوب مطالعه پیرامون هنر محیطی، تنها اشاراتی به آن داشته باشند. پژوهشی که به طور اخص به هنر زیست‌محیطی بپردازد به ندرت دیده می‌شود. یکی از مهمترین تحقیقاتی که تاکنون در این رابطه انجام شده، مقاله‌ای است با عنوان «هنر معاصر ایران و آثار زیست‌محیطی»، نوشته کامرانی و حسینی (۱۳۹۳). در این پژوهش پس از تعریف هنر زیست‌محیطی، نمونه‌هایی از آن در خارج از ایران ارائه شده و سپس این هنر در ایران از دهه ۱۳۸۰ تاکنون مورد مطالعه قرار گرفته است. با وجود اینکه نویسندگان به تعدد رسانه‌ها در هنر زیست‌محیطی ایران اشاره کرده‌اند، اما بیش‌تر نمونه‌های معرفی شده در قالب هنر محیطی هستند و از دیگر رسانه‌های جدید، تنها به یک مورد ویدئوآرت پرداخته شده است. بعلاوه تمرکز این پژوهش بر مکان ارائه این آثار نبوده و نمونه‌های معرفی شده شامل آثاری هستند که هم در گالری‌ها و هم در محیط‌های طبیعی اجرا شده‌اند. علاوه بر این، در پژوهش مذکور به تأثیر استفاده از رسانه‌های هنری جدید در هنر زیست‌محیطی اشاره نشده است. بنابراین با توجه به کمبود پژوهش‌ها در این رابطه، تدوین پژوهش‌هایی که به ابعاد متفاوت هنر زیست‌محیطی بپردازند از اهمیت زیادی برخوردار است. پژوهش حاضر که بر مبنای این ضرورت شکل گرفته است، می‌تواند با ارزیابی نقش رسانه‌های هنری جدید در هنر زیست‌محیطی، ضرورت پرداختن به این هنر در فضاهای شهری را مشخص کند.



هنر شهری



۵۲

سال اول، شماره ۳
پاییز ۱۳۹۸

پژوهش‌های زیست محیطی در قالب هنر شهری

هنر شهری، به عنوان هنری که با فضاهای شهری تلفیق شده است، گونه‌ای از هنر عمومی به شمار می‌رود،^۱ که «مفهوم بسیار گسترده‌ای دارد و تقریباً تمامی هنرهای در شهر را در بر می‌گیرد.» (مظفر و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۸). اما آیا هر اثری به صرف حضور در فضای شهری به عنوان هنر شهری تلقی می‌شود؟ اگرچه پژوهشگران ویژگی‌هایی را برای هنر شهری برشمرده‌اند که از آن جمله می‌توان به حضور در فضاهای شهری و عرصه‌های عمومی، تولید برای عموم شهروندان و طیف وسیع مخاطبان اثر، تأثیرگذاری بر ارتقای کیفیت بصری فضای شهری، ضمانت سرزندگی و حس تعلق شهروند و ارتقای هویت و حس مکان اشاره کرد، اما شرط لازم، حضور اثر در فضای شهر است. «هنر شهری به دو مؤلفه اصلی وابسته است؛ «شهروند (انسان) به عنوان مخاطب هدف که آثار هنر شهری برای او خلق می‌شود و فضای جمعی به عنوان محیط شکل‌گیری ادراکات و تعاملات اجتماعی و نه صرفاً بستر حضور آثار.» (عادلوند و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۹). اگرچه حیطه هنر شهری بسیار گسترده است، اما می‌توان گونه‌های هنر شهری را به شکل کلی به دو گروه آثار پایدار و موقت تقسیم کرد. هنر شهری پایدار یادمان‌های تاریخی، ساختمان‌های خاص، آثار یادبودی، مجسمه‌ها و دیگر آثار تزئینی، عناصر مبلمان شهری و ... را دربر می‌گیرد. در حالی که تعدادی از آثار هنری شهری هستند که با نیت موقتی بودن و حتی گاهی از موادی با عمر کوتاه ساخته می‌شوند. استفاده از رسانه‌های هنری جدید هم‌چون هنر محیطی^۱، هنر ویدئو^۲، هنر پرفورمنس^۳ و ... را می‌توان در این گروه قرار داد. نکته مهم در رابطه با همه گونه‌های هنر شهری این است که تنها تعداد کمی از آنها به همه جنبه‌های شهری بودن می‌پردازند و توجه خاص به هر یک دلیلی است بر تنوع آثاری که هنر شهری خوانده می‌شوند.

سیر تحول و تکامل هنر شهری

پیدایش و تحول هنر شهری با شکل‌گیری و تحول هنر عمومی در یک راستا قرار گرفته است. در دهه ۱۹۶۰ میلادی و هم‌زمان با پیدایش گرایش‌های جدید در هنر، برای اولین بار

1- Environmental Art
2- Video Art
3- Performance Art

فضای بیرون از گالری‌ها و موزه‌ها، به خصوص در ناحیه‌های شهرنشین، به عنوان مکانی برای نمایش آثار هنری، توجه را به خود جلب کرد. در این زمان با به کارگیری سیاست چهار درصدی برای هنر در آمریکا، که هدف آن در معرض بودن آثار هنری در شهرها و در نهایت دسترسی آسان مردم به آن‌ها بود، هنر عمومی و به دنبال آن هنر شهری شکل گرفت. اگرچه رواج هنر شهری سبب شد آثار هنری از گالری‌ها و موزه‌ها رها شوند، اما بیشتر آثار هنری که در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی در فضاهای شهری شکل گرفتند تنها نسخه‌های بزرگ مقیاسی از کارهای هنری هنرمندان در گالری‌ها بودند. «در حقیقت هنرمندانی که تا پیش از این آثار خود را بر دیوار گالری‌ها و موزه‌های معاصر به نمایش می‌گذاشتند، حالا فضایی وسیع‌تر را برای به نمایش گذاشتن آثار خود در اختیار داشتند. آثاری که گرچه از نظر مقیاس نسبت به قبل متفاوت بودند، اما در اغلب موارد با تغییر شرایط و محلّ عرضه آثار هنری، تغییری در محتوا و عملکردشان رخ نداده بود. در واقع در اکثر موارد این هنر یک عموم خالی شده از مفاهیم اجتماعی، انتقادی و نظام‌های ارزشی را به عنوان مخاطب هنر عمومی فرض کرده و هویت هنر عمومی را که در تعامل با عموم است» (علی‌الحسابی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۰-۹) نادیده گرفته بود.

هرچند هنر عمومی و شهری در دهه ۱۹۸۰ میلادی «به عنوان فرآیندی اجتماعی، برای بیانی آزادانه در درگیری‌های اجتماعی و آماده‌سازی بستری برای گفتگو در میان اقشار مختلف اجتماعات به کار گرفته شد» (وحدت‌طلب و همکاران، ۱۳۹۲: ۵)، اما در دهه ۱۹۹۰ میلادی بود که از هنر هنرمندمدار به هنر مخاطبمدار تبدیل شد و بر شهروندان و عموم جامعه به عنوان مخاطبانش تأکید کرد. «این تغییر، شکل‌گیری نوع جدیدی از هنر عمومی را موجب گشت که گرایش به موضوعات اجتماعی - محلّی، زیربنای تشکیل دهنده مبانی نظری آن بود.» (علی‌الحسابی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۳). در این دوره توجه هنرمندان به توانایی هنر عمومی در همراه شدن با موضوعات اجتماعی و ارائه نقدهای اجتماعی، موجب شد تأثیر و تأثر متقابل هنر عمومی و شهری با مخاطبان، بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.



شهروندان، مخاطب هنر شهری

هنر شهری پدیده‌ای مخاطب محور شناخته می‌شود؛ بدین معنی که دارای یک مخاطب منفرد نیست و جمعی از انسان‌ها را دربر می‌گیرد. در هنر شهری، مخاطب نه تنها در درک و تفسیر اثر هنری سهیم است بلکه گاهی می‌تواند در خلق آن نیز مشارکت داشته باشد. پس «هر اثری که هنرمند خلق می‌کند، قابلیت تبدیل شدن به هنر شهری را ندارد و ابتدا باید ساختار زبانی شهر و مخاطبان‌ش را که همان شهروندان هستند، بشناسد؛ سپس اثری را خلق کند.» (عادلون و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۲). از ویژگی‌های مهم هنر شهری باز بودن و حق انتخاب مخاطب برای ورود و خروج از محدوده اثر هنری است. به بیان دیگر «در این هنر، هنرمند فضای باز را برای مخاطب ایجاد می‌کند که شکل و فرم نهایی نداشته و تعامل مخاطب با اثر است که به دلخواه او به اثر شکل نهایی می‌دهد.» (وحدت‌طلب و همکاران، ۱۳۹۲: ۷). بنابراین آنچه کیفیت هنر شهری را به وجود می‌آورد، تعامل شهروندان با اثر هنری است.

از آنجا که در فضای شهری حضور مردم اساسی‌ترین جزء آن را تشکیل می‌دهد، آثار هنر شهری می‌توانند مشارکت بینندگان را افزایش داده و از طریق به چالش کشیدن ذهن و ایده مخاطب، موجب تعاملات متقابل بین مردم و اثر هنری شوند. در اینجا تعامل ذهنی و احساسی نسبت به تعامل فیزیکی دارای اهمیت بیشتری است؛ زیرا تعامل‌گرایی، تولید معنا می‌کند. به بیان دیگر «اثر شهری برای تکمیل خود از بُعد معنایی نیز مشارکت مخاطب را می‌طلبد و هرچه امکان درگیر شدن مخاطب با اثر هنری بیشتر شود، معناسازی نیز بیشتر خواهد شد.» (اریس و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۱). آثار هنری عموماً با زمینه فرهنگی مشترک ارتباط برقرار کرده و از این طریق در ذهن افراد معناساز می‌شوند. «معانی در نهایت از مجرای ذهن شخص عبور می‌کنند و شخص وظیفه تفسیر آن را بر عهده دارد.» (همان: ۸). در این تعامل، «هر بیننده‌ای تفسیر خود را از اثر هنری دارد که می‌تواند با تفسیر بیننده دیگر متفاوت باشد.» (قاسمی، ۱۳۹۶). از اینرو هنر بیرون از گالری‌ها و موزه‌ها، در فضاهای شهری، از طریق ارتباط هر چه بیشتر با مخاطب می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در گسترش آگاهی‌های اجتماعی و درک متقابل هنرمند و شهروندان داشته باشد. زیرا «پدیده هنر دارای هستی ارتباطی بوده و به وسیله مخاطبان دیده، شنیده، بساویده یا تجربه می‌شود و انتقال معانی در کنار اهداف

زیباشناسانه همواره از کارکردهای اصلی هنر به شمار می‌رود.» (اریس و همکاران، ۱۳۹۷: ۸). امروزه دغدغه‌های زیست محیطی از جمله مفاهیمی هستند که در هنرهای شهری به چشم می‌خورند. مشخص شدن دلایل توجّه به این معانی در هنر شهری، مستلزم آن است که ابتدا هنر زیست محیطی تعریف شود.

هنر زیست محیطی

هنر زیست محیطی در بستر هنر محیطی شکل گرفته و تکوین یافته است. هنر محیطی که در دایره‌المعارف هنر، به عنوان «اثر هنری متشکل از فضای سه بعدی که تماشاگر بتواند داخل آن شود و تحت تأثیر عواملی چون نور، صدا و رنگ قرار گیرد.» (پاکباز، ۱۳۹۴: ۱۶۶۲). تعریف شده، ابتدا در آمریکا در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل ۱۹۷۰ میلادی نمایان گشته است. در آن زمان هنرمندان «با رد خونسردی، عقلانیت صریح و گرایش‌های مادی غالب در آثار دهه شصت، تعریف مجددی از شکل بیرونی و ارزش‌های درونی هنر ارائه دادند. همه باور داشتند انگیزه اولیه آفرینش هنری نه در تزئین، سرگرمی گذرا یا کسب مقام و مال، بلکه در فعالیت‌های پرمعنایی ریشه دارد که هنرمند و مخاطبانش را از راه‌های خاص در تماس با جهان قرار می‌دهد. منبع الهام این هنرمندان جوامع اولیه‌ای بودند که ارتباطات فرهنگی نزدیکی با محیط‌های طبیعی داشتند.» (قلعه، ۱۳۸۸: ۹) و معتقد بودند که انسان به کمک هنر می‌تواند در روند طبیعت دخالت و تغییر ایجاد کند. پس «هنر محیطی بازگشتی آگاهانه به طبیعت و دخالت در روند آن است. اما این بار نه برای مهار نیروهای آن، بلکه برای صیانت از ارزش‌ها و جلوگیری از تخریب و برجسته ساختن آن به عنوان عامل مهم حیات انسان‌ها.» (همانجا) در اینجا منظور از طبیعت، «نه طبیعت روستایی و ایده‌آل شده قرن گذشته، بلکه دیدگاهی گسترش یافته از محیط و آگاهی نسبت به نقشی است که قوای اقتصادی، روانی، فرهنگی و زیستی در حیات ما دارند.» (اسماگولا، ۱۳۸۱: ۳۸۴). در هنر محیطی، خلق اثر هنری در طبیعت و با استفاده از مواد طبیعی و گاه مصالح خاص اثر اتفاق می‌افتد. در این مورد هنرمندان با افزودن و یا کاستن عنصری از عناصر طبیعت، و یا حتی جابه‌جا کردن آن، مفاهیم جدیدی را در رابطه با اهمیت طبیعت و پدیده‌های طبیعی ارائه می‌کنند.

برخی محققان، هنر محیطی و هنر زیست محیطی را مترادف با یکدیگر به کار گرفته‌اند،



۵۵

سال اول، شماره ۳

پاییز ۱۳۹۸



اما باید توجه داشته باشیم اگرچه توجه به محیط زیست در هنر محیطی، از ابتدای پیدایش این جریان هنری وجود داشته است، اما «ملاحظات زیست محیطی برای هنرمندان اولویت محسوب نمی‌شد و بر سمت و سوی کلی آثارشان تأثیری نمی‌نهاد.» (قلعه، ۱۳۸۸: ۹). پس به نظر می‌رسد این گرایش در هنر محیطی به طور ویژه در سال‌های بعد و با گسترش توجهات جهانی و عمومی نسبت به مشکلات زیست محیطی در دوران معاصر و اهمیت پرداختن به این مسأله، تکوین یافته است.

توجه به مشکلات زیست محیطی به پس از جنگ جهانی دوم باز می‌گردد. «هنگامی که صنایع آمریکا دستخوش رشدی بی‌سابقه شدند. انتشار مقاله آلدو لیوپولد، «سالنامه کشور سنی» (۱۹۴۹) که در آن، جهان، اجتماعی به هم پیوسته توصیف شده است، از اولین تلاش‌های نظری در اهمیت بخشیدن به نقش زمین و منابع آن بعد از جنگ جهانی دوم محسوب می‌شود. پس از آن، دانش نسبتاً تازه اکولوژی (که در مورد خویشاوندی موجودات زنده و محیطشان بحث می‌کند) شکل گرفت. در سال‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، دانشمندان نگرانی خود را در مورد حشره‌کش‌ها، آلودگی و آلودگی زیستی، و زباله‌های هسته‌ای بیان می‌کردند. در میان آشوب‌های گسترده اجتماعی دهه ۱۹۶۰، بدرفتاری با طبیعت عملی فاحش بود که بی‌درنگ در همه‌جا مورد اعتراض قرار می‌گرفت.» (کامرانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲). در این زمان کتاب «بهار خاموش» اثر ریچل کارسون، فعال محیط زیست، منتشر شد که به شکل ویژه به بحران محیط زیست پرداخت و موجب شد اولین کنگره‌های توسعه پایدار تشکیل شود. در آوریل ۱۹۷۰ میلادی افراد بسیاری اولین روز زمین پاک را در آمریکا جشن گرفتند و اطراف شهر را از زباله پاکسازی کردند. در حقیقت «برنامه قانونی که از دهه ۱۹۵۰ برای احیای مناطق ویران شده به وسیله حفاری و بهره‌برداری از معادن در آمریکا تصویب شده بود، هرچند انگیزه و محرک لازم را برای هنر با محوریت محیط زیست فراهم می‌کرد.» (قلعه، ۱۳۸۸: ۹) اما دولت آمریکا تا سال ۱۹۷۰ به این قوانین عمل نکرد و آنها را جدی نگرفت. در نهایت، در سال ۱۹۷۸ میلادی بود که دولت پذیرفت در توسعه، محیط زیست نیز مهم است. از این پس، توجه به مشکلات زیست محیطی به شکلی رسمی آغاز و «طرفداری و دفاع قانونی از محیط زیست به عنوان حرکتی جهانی مطرح شد، از عضویت در

تشکل‌های زیست‌محیطی استقبال بی‌سابقه‌ای شد و هم‌چنین شماری از قوانین به دنبال حرکت سیاسی ملی محیطی به تصویب رسید.» (کامرانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳).

هم‌زمان با گسترش این توجهات، و با نظر به این که در هنر معاصر مفهوم‌گرایی نقشی عمده و اساسی ایفا می‌کند، «هنرمندان هنر محیطی با الهام و درک جدید از مسائل زیست‌محیطی و تئوری آن، به خوبی به کارهایشان غنا بخشیدند.» (همان: ۱۲). در واقع می‌توان گفت وجود بحران‌های زیست‌محیطی بی‌شمار در عصر حاضر، این هنرمندان را بر آن داشت تا در هنر محیطی، بیشتر به جنبه‌های زیست‌محیطی توجه داشته باشند تا وجوه زیبایی‌شناسی. بنابراین از اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی شاهد تغییر رویکرد برخی هنرمندان هنر محیطی به هنر زیست‌محیطی هستیم.

از آن زمان تا به امروز بر تعداد هنرمندانی که به خلق آثار زیست‌محیطی توجه دارند افزوده شده است. دغدغه این هنرمندان خلق آثاری است که بدون صدمه زدن به طبیعت، به مردم جهان در رابطه با بحران‌های زیست‌محیطی هشدار دهد و حتی موجب تغییر رفتارشان گردد و در نهایت نیز با فشار به مدیران و مسئولان بی‌توجه به محیط زیست، سبب تغییر برنامه‌ها و رویکردهای آنان در این رابطه شود.

هنر زیست‌محیطی در ایران

در ایران هم‌زمان با ظهور جریانات و روش‌های هنری جدید در اواخر دهه ۱۳۷۰ و فراگیر شدن گرایش‌های تازه مفهومی در هنر معاصر، شاهد توجه هنرمندان به هنر زیست‌محیطی هستیم. زیرا در این زمان مشکلات زیست‌محیطی به عنوان مهم‌ترین و اساسی‌ترین مباحثی که مستقیماً مرگ و زندگی را در کنترل دارد، بیش از پیش در جامعه ایران مطرح می‌شوند و برخی هنرمندان معاصر در واکنش به معضلات و مشکلاتی که حیات انسان را به خطر انداخته است، به عنوان منتقدان پیشرو، در آثار خویش به استقبال از هنر زیست‌محیطی می‌روند.

در اولین نمایشگاه آثار مفهومی ایران که در سال ۱۳۸۱ در موزه هنرهای معاصر تهران برگزار شد، اگرچه اشتیاق تجربه در اشکال گوناگون هنر جدید بسیار زیاد بود و طیف گسترده و متفاوتی از آثار مفهومی به نمایش گذاشته شد، اما در میان این آثار می‌توان



نمونه‌هایی از هنر زیست محیطی را دید. ^۲ البته پیش از این نیز آثار معدودی در این رابطه وجود داشته است. اما گرایش هنرمندان به مفاهیم زیست محیطی با ابزارهای جدید بیان هنری، پس از برگزاری این نمایشگاه و توجه هرچه بیشتر هنرمندان به ارائه آثار مفهومی، به وضوح خود را نشان می‌دهد و در سال‌های بعد به واسطه برگزاری نمایشگاه‌ها و جشنواره‌های مختلفی ادامه می‌یابد. در حقیقت، «هر چه به سال‌های اخیر نزدیک می‌شویم، با همه‌گیر شدن نقدهای زیست محیطی، به آثاری با گرایش زیست محیطی، در ایران چه به شکل انتقادی و چه به شکل فرعی، بیشتر می‌خوریم که گویای گسترش در نزد هنرمندان معاصر ایران است.» (کامرانی و همکاران: ۲۳). هنر زیست محیطی در ایران انواع گوناگونی دارد و همه آثاری که بر مشکلات زیست محیطی تأکید می‌کنند را در هر رسانه‌ای، دربر می‌گیرد. این آثار که براساس ویژگی‌های اقلیمی مکانی که در آن واقع می‌شوند، محتوای خاص خود را دارند، بحران‌های زیست محیطی ایران، مانند معضل آلودگی هوا، کم‌آبی و آلودگی آب بسیاری از رودخانه‌ها و دریاچه‌ها و خشک شدن و قطع درختان، را به عنوان نقطه هدف خود قرار می‌دهند. چون که این هنرمندان معتقدند «بحران محیط زیست جدی است و جهانی. ایران نیز بخشی از جهان است و می‌تواند در این روند سهمی داشته باشد.» (www.riverart.com).

حضور هنر زیست محیطی در فضاهای شهری ایران

اگرچه بیشتر هنرمندان زیست محیطی در ایران غالباً آثار خود را در دل طبیعت و یا در گالری‌ها و موزه‌ها به نمایش گذاشته‌اند، اما در سال‌های اخیر برخی از این هنرمندان فضاهای عمومی شهرها را به عنوان جایگاه آثار خود برگزیده‌اند و آنها را در قالب هنر شهری ارائه کرده‌اند. بنابراین در این دهه، شاهد آثار متعددی در شهرهای مختلف ایران هستیم که با محوریت معضلات زیست محیطی در رسانه‌های گوناگون شکل گرفته‌اند. این آثار به واسطه ارائه در شهر از آثاری که در دل طبیعت اطراف شهرها و روستاها اجرا می‌گردند، متمایز می‌شوند.

هنرمندان هنر محیطی در ایران، جشنواره‌های متعددی برگزار کرده‌اند که موجب آفرینش

هنرزیست محیطی توسط برخی از هنرمندان شده است.^۳ در چهل و یکمین جشنواره که با حمایت سازمان زیباسازی شهر تهران در اسفندماه ۱۳۹۱ در ضلع جنوبی پارک لاله برگزار شد، برخی هنرمندان آثار خود را با تمرکز بر معضلات زیست محیطی در قالب هنر شهری ارائه کردند. عاطفه آرانی، کریم الله‌خانی، شهریار رضایی، مجید ضیایی، فرشته عالمشاه، اردشیر میرمنگره، آسیه محمدیان، فرزین هدایت‌زاده و گروه پنج باز، هنرمندانی هستند که در آثار خود به دنبال الهام بخشیدن به مخاطبان در مورد مراقبت و احترام به طبیعت بودند. کریم الله‌خانی در اثر خود با نام «باغ پرس شده»، به آسیب‌هایی که انسان معاصر به واسطه صنعت به طبیعت وارد نموده، اشاره کرده و درخت‌های خشک جمع‌آوری شده از طبیعت را به عنوان سندی عینی از آنچه انسان بر طبیعت روا داشته، پیش چشم مخاطبان قرار داد. شهریار رضایی نیز با اثر خود با عنوان «آخرین درخت»، ضمن نوجه به قطع بی‌رویه درختان توسط انسان، آینده‌ای بدون حضور درختان را به شهروندان هشدار داد. (تصویر ۱)



تصویر ۱: سمت راست: باغ پرس شده، کریم الله‌خانی، ۱۳۹۱/ سمت چپ: آخرین درخت، شهریار رضایی،

www.zibasazi.ir. ۱۳۹۱

آسیب‌رسانی به درختان توسط انسان‌ها، نیز موضوع کار فرشته عالمشاه و اردشیر میرمنگره بود. با این تفاوت که این هنرمندان سعی کرده بودند زخم‌هایی را که بر پیکره درختان شهر وجود دارد، به نوعی التیام بخشند. فرشته عالمشاه برای پوشاندن نوشته‌ها و یادگاری‌های روی تنه درختان، حرف‌های خود را با استفاده از خاک سرخ جزیره هرمز بر آنان نوشت تا به کمک آهن فراوانی که در خاک این جزیره وجود دارد بتواند مرهمی گذارد بر زخم‌های این درختان. اردشیر میرمنگره نیز سعی کرد محل تخریب درختان (که گاهی با سیمان و یا رنگ قرمز پوشانده شده) را با چسب زخم بپوشاند تا بر زنده بودن درختان تأکید ورزد. (تصویر ۲)



تصویر ۲. سمت راست: درخت نوشته، فرشته عالمشاه، ۱۳۹۱. سمت چپ: اردشیر میرمنگره، زخم‌ها، ۱۳۹۱.

www.zibasazi.ir

اثر آسیه محمدیان نیز تلاشی بود تا مردم را با قرار دادن در محیطی کاملاً سبز، که در تضاد با زندگی صنعتی است، متوجه آلودگی‌های زیست‌محیطی کند. (تصویر ۳)



تصویر ۳. حضور، آسیه محمدیان، ۱۳۹۱. www.zibasazi.ir

توجه به مرگ و میر، کم شدن و انقراض گونه‌های جانوری در محیط شهرها موضوعی است که مجید ضیایی و فرزین هدایت‌زاده آثارشان را بر مبنای آن آفریده بودند. آلاینده‌های موجود در شهرهای بزرگ بر اکوسیستم و جانداران تأثیر گذاشته و موجب اضمحلال شرایط طبیعی زیست شده است. مجید ضیایی با توجه به اینکه وضعیت آلودگی در شهر تهران به حدی است که شمار زیادی از پرندگان ریزجثه، نظیر گنجشک‌ها، شهر را ترک کرده‌اند، با ساخت آشیانه‌های پرندگان در شهر جای خالی این پرندگان را به شهروندان یادآوری کرد. فرزین هدایت‌زاده نیز یادبودی ساخت برای گونه‌هایی که منقرض شده و یا در حال انقراض هستند و آن را در برابر مردم قرار داد. (تصویر ۴)



تصویر ۴: سمت راست: گنجشک‌خانه، مجید ضیایی، ۱۳۹۱. سمت چپ: یادبودی برای گونه‌های منقرض شده، فرزین هدایت‌زاده، ۱۳۹۱. www.zibasazi.ir

در گروه پنج باز، که از سال ۱۳۸۴ با پنج عضو فعالیت خود را آغاز کرده، گرایش به طبیعت و محیط زیست از ویژگی‌های مهم محسوب می‌شود. اثر این گروه در این جشنواره به نام «حجمی از آلودگی» تلاش داشت تا نگرانی‌های انسان امروز را نسبت به تولید انبوه زباله نشان دهد، چرا که آلودگی محیط‌زیست به وسیله اشیا صنعتی مسأله‌ای است که در ایران به شکلی جدی مطرح است و برای رفع آن از طرف مردم و مسئولین هیچ گونه تلاشی صورت نگرفته است. این موضوع همچنین موجب توجه عاطفه آرانی نیز بود. او با قاب کردن زباله‌هایی که در شهر رها شده‌اند، تلاش کرد تا از فراموشی و بی‌توجهی مردم به آنها جلوگیری کند. (تصویر ۵)



تصویر ۵: سمت راست: حجمی از آلودگی، گروه پنج‌باز، ۱۳۹۱. سمت چپ: تعلیق، عاطفه آرانی، ۱۳۹۱. www.zibasazi.ir

به طور کلی می‌توان گفت سازگاری با مقیاس و نیاز شهری موجب شده است این هنرمندان آثار خود را به صورت محیطی و چیدمان‌های مکان‌ویژه در محیط پارک لاله ارائه کنند و با قرار دادن مردم شهر به عنوان مخاطبان خود در یک رابطه متقابل با طبیعت

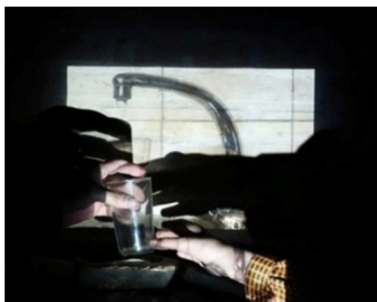
اطرافشان، موضوع حفظ محیط زیست و لزوم بررسی مشکلات آن را در ذهن‌ها شکل دهند. از دیگر جشنواره‌هایی که با رویکرد زیست‌محیطی توسط هنرمندان محیطی چندین مرتبه در سال‌های اخیر در محیط شهری برگزار شده است و مردم مشارکت فراوانی در روند خلق آثار هنری داشته‌اند، می‌توان به جشنواره هنر بازیافت در شهر قزوین، اشاره کرد. هنر بازیافت هنری است که کاملاً رویکردی زیست‌محیطی دارد، زیرا در این هنر شیوه‌های استفاده مجدد از زباله‌ها و برگرداندن آن‌ها به چرخه تولید مد نظر قرار می‌گیرد. اگرچه هنرمندان محیطی بارها و بارها در آثاری که در محیط‌های طبیعی آفریده‌اند به هنر بازیافت توجه داشته و از زباله‌های رها شده در طبیعت به عنوان ابزاری برای خلق آثارشان استفاده کرده‌اند، اما به نظر می‌رسد انجام آن در شهر به گونه‌ای مؤثرتر می‌تواند شهروندان را به عنوان مخاطبان اثر هنری با حجم انبوه زباله‌های تولیدی توسط انسان‌ها مواجه سازد و تأثیرگذارتر باشد.^۴

علاوه بر آثاری که در سال‌های اخیر در ایران با رویکرد زیست‌محیطی، در قالب هنر محیطی در شهر ارائه شده‌اند، آثاری نیز وجود دارد که با بهره‌گیری از رسانه‌های هنری دیگر مانند هنر اجرا و ویدئو در فضاهای شهری شکل گرفته‌اند. به عنوان مثال می‌توان به هنرمندان شهر اصفهان اشاره کرد که آثار قابل توجهی در این زمینه آفریده‌اند. یکی از این آثار پرفورمنسی است اثر نوشین نفیسی که در مهرماه ۱۳۹۰ در شهر ورزنه بر روی پلی که روزانه مسیر رفت و آمد تعداد زیادی از مردم این شهر است، اجرا شده. قرارگیری این پل بر بستر زاینده‌رود و هم‌چنین نزدیکی آن به تالاب گاوخونی، دلیل انتخاب این مکان برای ارائه اثر توسط هنرمند به شمار می‌رود. زاینده‌رود و تالاب گاوخونی در طی سالیان یکی از زیستگاه‌های بزرگ پرندگان و جانوران بوده که در سال‌های اخیر به علت خشکسالی و عدم مدیریت صحیح آب، رو به نابودی کامل رفته است. این اجرا در حقیقت سوگواره‌ای به شمار می‌رفت برای پرندگان زاینده رود، که در آن هنرمند از نشانه‌هایی که در مراسم عزاداری استفاده می‌شود، الهام گرفته بود. اثر مورد نظر با نام «علم‌های پرندگان»، شامل ۷ تا ۱۰ عدد علم با ارتفاعی نزدیک به دو متر بود که بر سر آنها پرنده یا پرندگانی در حالت‌های مختلف، عموماً، تلاش برای پرواز، نصب شده و در ساخت آنها هنرمند از چوب، کاغذ،

پارچه و زنگوله بهره برده بود. اگرچه نوشین نفیسی این اجرا را به دفعات در مکان‌های دیگر نیز (محیط‌هایی در اطراف شهر و بدون حضور مردم) ارائه کرده است، اما به نظر می‌رسد اجرای آن در این مکان، که یکی از فضاهای عمومی شهر محسوب می‌گردد، به دلیل ارتباط بی‌واسطه با مردم، موجب شرکت و تعامل آنها در روند ارائه اثر شده است. و به این شکل، هنرمند ضمن بیان اعتراض خود نسبت به خشک شدن زاینده رود، مخاطبان بیشتری را با اثر خود مواجه ساخته است. مخاطبانی که خود به نحوی متأثر از پیامدهای خشک شدن این رودخانه هستند. (تصویر ۶)

از دیگر آثار زیست محیطی، می‌توان به نمایشگاهی اشاره کرد که در سال ۱۳۹۳، توسط مدیریت سازمان تفریحی فرهنگی شهرداری شهر اصفهان، با هدف اعتراض به خشک شدن رودخانه زاینده رود و تلنگری به مسئولان و مردم این شهر در یادآوری اهمیت آب و جریان پاینده آن در بستر رودخانه و تأثیر آن بر ادامه حیات مردم و محیط زیست، با همکاری پنج هنرمند، در قالب هنر شهری برگزار شد. پل خواجه مکان برگزاری این نمایشگاه بود. انتخاب این پل به عنوان یکی از مهمترین فضاهای عمومی در شهر اصفهان برای نمایش آثار، و همچنین زمان برگزاری آن (از اولین روز فروردین تا روز سیزدهم)، هر دو بخوبی موجب شد که مردم بسیاری، چه ساکنان اصفهان و چه کسانی که برای گذراندن تعطیلات نوروز به این شهر سفر کرده و با خشکی زاینده رود مواجه شده بودند، مخاطب این آثار باشند و تعامل و تأثیرگذاری نیز افزایش یابد. مجید آزادمنش، مینو ایران‌پور، فرشته عالمشاه، نوشین نفیسی و رسول معرک‌نژاد، هنرمندانی بودند که آثارشان در این نمایشگاه به نمایش در آمد. اگرچه تمامی آثار در قالب هنر ویدئو، به گونه‌ای بود که مخاطبان در روند خلق آن دخالتی نداشتند، اما از جهت برانگیختن عواطف و حواس مخاطبان، به خوبی با مردم تعامل داشت. البته به نظر می‌رسد رسول معرک‌نژاد به واسطه خلق اثر خود در قالب ویدئو اینستاژیشن، با توجه به امکانی که برای ورود مخاطبان به روند ارائه اثرش قائل شده بود، بیش از سایر هنرمندان توانسته بود تأثیرگذار باشد. (تصویر ۷)





سمت راست: تصویر ۶. علم‌های پرندگان، نوشین نفیسی، ۱۳۹۰. www.nooshinnaficy.com

سمت چپ: تصویر ۷. زاینده رود، رسول معرک‌نژاد، ۱۳۹۳. www.moareknejad.com

یافته‌ها

مشاهده شد که هم‌زمان با افزایش نقدهای زیست‌محیطی در ایران برخی هنرمندان معاصر کوشیده‌اند تا به بیان دغدغه‌های خود در این رابطه بپردازند. اگرچه این هنرمندان تاکنون از انواع رسانه‌های سنتی و جدید بهره برده‌اند، اما در سال‌های اخیر گرایش به استفاده از رسانه‌های هنری جدید بیشتر بوده است. از سوی دیگر روشن شد که برخی از این هنرمندان فضاهای عمومی شهر را برای ارائه اثر خود مناسب دیده و آثارشان را در قالب هنر شهری به نمایش گذاشته‌اند. در جهت مشخص شدن دلایل انتخاب محیط‌های شهری به عنوان مکان ارائه آثار زیست‌محیطی، می‌بایست علت توجه هنرمندان معاصر به رسانه‌های نوین برای بیان این مفاهیم را نیز مورد بررسی قرار داد.

در حقیقت، اهمیت مفهوم در هنر معاصر به صورتی است که هنرمند از هنر برای اندیشیدن به طبیعت، تاریخ و جامعه بهره می‌گیرد و همواره دیدگاه خود را نسبت به موضوعات مهم جهانی (از جمله محیط زیست) بیان می‌کند. در این زمینه هنرمند برای انتقال محتوایی که در پی بیان آن است از رسانه‌های گذشته فاصله می‌گیرد و همگام با تغییرات روز از رسانه‌های نوین برای بیان محتوای خود استفاده می‌کند؛ زیرا هدف اصلی این رسانه‌های جدید نیز رساندن پیام و مفهوم مورد نظر هنرمند است تا زیبایی‌شناسی به شیوه گذشته. هم‌چنین تعامل میان هنرمند و مخاطب یک اصل مهم در هنر معاصر به شمار می‌رود و رسانه‌های هنری جدید بیش از رسانه‌های هنری گذشته زمینه را برای تعاملات مخاطبان فراهم کرده‌اند. بدین شکل که در این رسانه‌ها مخاطب با ذهن، احساس، حواس و حرکات

خود در فرآیند ساخت اثر، مشارکت می‌نماید و این‌گونه فرآیند آفرینش اثر هنری با فرآیند ادراک و دریافت آن به نوعی پیوند می‌خورد. این تعامل در نهایت موجب درک بهتر پیام هنرمند از جانب مخاطبان اثر هنری می‌شود.

پس می‌توان گفت از آنجا که بحران‌ها و معضلات زیست‌محیطی از مفاهیم مهمی هستند که در هنر معاصر مطرح است؛ و هنرمندان به واسطه خلق آثاری در این زمینه سعی دارند ضمن عمق بخشیدن به ارتباط انسان با طبیعت، در خصوص خطراتی که محیط‌زیست را تهدید می‌کند هشدار دهند، نوع بیانی را انتخاب می‌کنند که قابلیت بیشتری برای ارتباط با مخاطب دارد. اهمیت این مورد، یعنی ارتباط بیشتر با مخاطب و در نهایت تأثیرگذاری عمیق‌تر بر جامعه، در هنر زیست‌محیطی به اندازه‌ای است که موجب شده است نه تنها هنرمندان از انواع رسانه‌های جدید برای بیان دغدغه‌های خود در این رابطه بهره‌گیرند، بلکه گاهی نیز به جای نمایش آثار خود در گالری‌ها و یا محیط‌های طبیعی، آنها را در فضاهاى شهری ارائه دهند.

این هنرمندان از رسانه‌های هنری جدید در شهر استفاده می‌کنند؛ زیرا همه این رسانه‌ها مایلند بین اثر و جامعه مردم ارتباط برقرار کنند و فضاهای عمومی در شهر به واسطه اینکه بخش مهمی از تعاملات اجتماعی و فرهنگی مردم در آنها محقق می‌شود، محل حضور طیف وسیعی از شهروندان است که می‌توانند مخاطب آثار هنری باشند. در واقع عرضه آثار هنری توسط رسانه‌ها در شهر به واسطه ویژگی اجتناب‌ناپذیری هنرهای شهری موجب می‌شود آن دسته از افرادی نیز که به گالری‌ها و موزه‌ها نمی‌روند، با این آثار مواجه شوند. علاوه بر ارتباط با مخاطبان بیشتر، هنر شهری نیز همانند رسانه‌های جدید، همواره بر درگیرکردن بیننده با اثر هنری مبتنی بوده است و تعامل و ارتباط با شهروندان از اساسی‌ترین ویژگی‌های آن محسوب می‌گردد. از سوی دیگر گفته شد که هنرهای شهری علاوه بر زیبایی‌ای که به محیط می‌دهند، جنبه کارکردی نیز دارند و در پی پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه تعریف می‌شوند. از آنجا که این ویژگی در راستای مفهوم‌گرایی هنر معاصر و رسانه‌های نوینش قرار می‌گیرد، هنرمندان زیست‌محیطی اغلب هنر شهری را در ترویج مفاهیم مورد نظرشان مفید می‌یابند. بنابراین این هنرمندان با استفاده از رسانه‌های هنری جدید در شهر، با توجه به نقش



هنر در مکان‌های عمومی شهری، می‌تواند موجب تقویت وجهه اجتماعی و سودمندی اثر خود و در نهایت تأثیرگذاری بیشتر بر جامعه شوند.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که گفته شد مسائل و مشکلات زیست‌محیطی در ایران، دلیل توجّه برخی هنرمندان معاصر در دهه اخیر، به هنر زیست‌محیطی بوده است. هنر جدید با همه ابزارها و رسانه‌های نوین خود، به کمک این هنرمندان آمده و باعث شده است ظرفیتهای بیانی هنر زیست‌محیطی افزایش یابد. از سوی دیگر ارتباط و نسبت این رسانه‌ها با فضاهای عمومی شهری، برخی از این هنرمندان را بر آن داشته تا آثار خود را در بستر شهر اجرا کنند. ویژگی مخاطب محورانه رسانه‌های هنری جدید و هنر شهری مهمترین عاملی است که در ارائه آثار زیست‌محیطی در شهر مؤثر بوده است.

اگرچه هنرمندان زیست‌محیطی معاصر ایران تاکنون به استفاده از انواع رسانه‌های هنری جدید در فضاهای شهری توجّه نشان داده‌اند، اما به نظر می‌رسد در بین این رسانه‌ها، هنر محیطی به دلیل ماهیت خود به عنوان هنری که ارتباط مستقیم با محیط‌زیست را فراهم می‌کند، بیش از سایر رسانه‌ها مورد توجّه این هنرمندان قرار گرفته است. با وجود اینکه هنر محیطی به واسطه خلق اثر هنری در فضای بیرون از گالری‌ها و موزه‌ها، قابلیت جذب مخاطب عام و تأثیرگذاری بر آنها را دارد، اما به نظر می‌رسد این مهم زمانی که هنرمند اثر خود را در طبیعت که به طور معمول خالی از حضور مردم است می‌آفریند، آن‌چنان که باید و شاید اتفاق نمی‌افتد. در حالی که می‌توان گفت حضور این آثار در محیط‌های شهری، به واسطه حضور حداکثری شهروندان، بهتر از نمونه‌هایی که در دل طبیعت قرار دارند می‌تواند مخاطبان را جذب و حتی گاهی در فرآیند خلق اثر به مشارکت وادارد.

با وجود این نمونه‌های بارز هنر زیست‌محیطی در فضاهای شهری ایران به ندرت یافت می‌شود و به نظر می‌رسد اکثر هنرمندان معاصر در این زمینه هم‌چنان تمایل دارند آثار خود را در گالری‌ها هنری و یا محیط‌های طبیعی به نمایش بگذارند. توجه سازمان‌های دولتی و غیردولتی به ضرورت پرداختن به هنر زیست‌محیطی در شهر و حمایت‌های مالی آنها، می‌تواند این امکان را برای هنرمندان بیشتری فراهم کند که آثار خود را در محیط‌های

شهری ارائه نمایند. امید است در سال‌های آینده با توجه به وجوه مشترک رسانه‌های هنری نوین و هنر شهری، شاهد بهره‌گیری هرچه بیشتر هنرمندان از رسانه‌های جدید در بیان مفاهیم مهم زیست‌محیطی در شهرهای مختلف ایران باشیم.



پی‌نوشت:

۱. زاویر مادرولو، هنر عمومی را این‌گونه تعریف کرده است: «گونه‌ای مشخص از هنر که نصیب گروه خاصی از شهروندان در هنر معاصر نبوده و مکانش در فضای باز شهری می‌باشد.» (وحدت‌طلب و همکاران، ۱۳۹۲: ۴).

۲. از جمله هنرمندانی که در این نمایشگاه آثار خود را در قالب هنر زیست‌محیطی ارائه کردند می‌توان به احمد نادعلیان با اثر «رودخانه هنوز ماهی دارد» که نقدی بر کم‌آبی و آلودگی رودخانه هراز است، اشاره کرد. بیتا فیاضی، رامین ملکوتی و مصطفی دره‌باغی از دیگر هنرمندانی هستند که در این نمایشگاه حضور داشته‌اند. مرگ حیوانات بر اثر توسعه جاده‌ها توسط انسان، اهمیت آب در مناطق خشک و قطع درختان در جنگل‌های شمال ایران مفاهیمی هستند که این هنرمندان آثار خود را با توجه به آنها آفریده‌اند.

۳. تاکنون بیش از ۵۰ جشنواره توسط هنرمندان محیطی در نقاط مختلف ایران برگزار شده است. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه رجوع کنید به www.riverart.com.

۴. برای دیدن نمونه آثار هنرمندان در این جشنواره‌ها نگاه کنید به: www.riverart.com.



منابع و مآخذ:

- اسماگولا، هوارد جی (۱۳۸۱)، گرایش‌های معاصر در هنرهای بصری، فرهاد غبرایی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- اریس، بهاره و مهرداد کریمی مشاور، (۱۳۹۷)، مدل مفهومی ارتباط معنایی هنر و فضای شهری، باغ نظر، ۱۵(۶۶): ۵ - ۱۶.
- پاکباز، رویین (۱۳۹۴)، دایره‌المعارف هنر، جلد دوم، تهران: فرهنگ معاصر.
- عادلوند، پدیده، اشرف السادات موسوی‌لر و سیدامیر منصوری (۱۳۹۵)، هنر شهری به مثابه پدیده‌ای منظرین در جامعه امروز، باغ نظر، ۱۳(۳۹): ۳۹ - ۴۴.
- علی‌الحسابی، مهران و مرادی، سلمان (۱۳۸۸)، بررسی سیر تحول و تکامل هنر عمومی. دو فصلنامه دانشگاه هنر، ۲: ۵ - ۱۸.
- قاسمی، الهام (۱۳۹۶)، هنر عمومی تعاملی (میان کنشی) در فضای شهری، ۱۳۹۶/۸/۲. <http://urbandesign.ir>
- قلعه، رضا (۱۳۸۸)، هنرهای مرتبط با محیط؛ هنر محیطی، تندیس، ۱۵۱: ۹ - ۹.
- کامرانی، بهنام و حسینی، ستاره (۱۳۹۳)، هنر معاصر ایران و آثار زیست محیطی، نقدنامه هنر، ۶: ۱۱ - ۲۴.



- مظفر، فرهنگ، مهدی حسینی و رضا خدادادی (۱۳۹۶)، نقش هنرهای شهری در بهبود کیفیت محیط زیست شهری، پژوهش هنر دانشگاه هنر اصفهان، ۱۳: ۷۳ - ۸۴.
- وحدت‌طلب، مسعود و محمد رامین رحیمیان، (۱۳۹۲)، بررسی مفهوم هنر عمومی و کنش متقابل آن با مردم در فضاهای عمومی و شهری، اولین همایش ملی شهرسازی و معماری در گذر زمان.

• http://www.riverart.net/notes/environmental_art/iran/persian/index.htm.



۶۸

سال اول، شماره ۳
پاییز ۱۳۹۸

دغدغه‌های زیست محیطی در قالب هنر محیطی و شهری

Ecological Concerns in the form of Environmental and Urban Art

Shiva Motallebi, Bahram Ahmadi

Abstract:

Ecological problems are among the concerns of the contemporary world. In recent years some artists in Iran have been using the new art media to express and understand these problems in order to challenge the audience. Urban art, in addition to providing aesthetic aspects, can play a more effective role in raising public awareness of the issue of ecology protection through its proximity to interactive art and by considering citizen audiences as the primary target of such artwork. In this regard, it seems that the many commonalities between the new art media and the urban art have made it possible for artists in this city to reach their audiences more than ever. Studying and recognizing the ecological artworks in urban spaces of Iran shows that among the new media, environmental art is more aligned with the artist's goals and expressing ecological concerns in the city because of its quick and easy communication with the environment and the audience. Other media have been favored by artists. In this descriptive-analytical study, an ecological approach is used to examine the reasons for artists' attention to new media in Iranian urban spaces by evaluating the extent of their presence in the urban context and how they succeed in conveying the ecological concepts in their creative works.

Keywords: Urban Art, New Art Media, Ecological Art, Artwork Audience



۱۲۰

سال اول، شماره ۳

پاییز ۱۳۹۸